



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

## TIME

### دوراهی آمریکا در یمن

تنگه باب‌المندب، آبراه استراتژیکی است که کشتی‌ها از طریق آن به سمت کانال سوئز حرکت می‌کنند و بیش از ۱۰ درصد تجارت جهانی از این مسیر عبور می‌کند. بعد از اعلام خبر توقیف یک کشتی در دریای سرخ توسط نیروهای یمنی، ترافیک کشتی‌ها در دریای سرخ، ۲۵ درصد کاهش یافت. تجارت به‌طور کامل مسدود نشده است، زیرا اکثر کشتی‌ها می‌توانند مسیر امن‌تر اما طولانی‌تری را در اطراف آفریقا انتخاب کنند، ولی حوثی‌ها با این کار، هزینه حمل‌ونقل را در سطح جهانی افزایش داده‌اند و هزینه‌های مضاعفی بر تجارت تحمیل کرده‌اند، آن‌هم در زمانی که مشکلاتی در کانال پاناما ایجاد شده است. حمل‌ونقل پیچیده‌تر شده و بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف، نگران افزایش تورم هستند. اگر اقدامات حوثی‌ها ادامه یابد، هزینه‌های مصرف‌کنندگان و تأثیر آن بر دولت‌های منطقه قابل توجه خواهد بود. در صورت بسته شدن طولانی‌مدت دریای سرخ، اروپا و کشورهای حاشیه دریای مدیترانه بیشترین خسارت را متحمل خواهند شد. برخی از کشورهای شمال آفریقا مانند تونس و الجزایر نیز به‌صورت ویژه‌ای آسیب‌پذیر هستند، زیرا بیشتر تجارت آسیایی خود را از طریق کانال سوئز انجام می‌دهند. اسرائیل، هدف مورد نظر حوثی‌ها، پیش‌تر به دلیل توقف فعالیت کشتی‌های تجاری در بندر ایلات آسیب دیده است، اما اندازه نسبتاً کوچک این بندر، باعث شده تأثیر کلی آن نسبتاً قابل کنترل باشد. بازنده بزرگ انسداد دریای سرخ، مصر است که یک‌چهارم درآمد ارزی‌اش به هزینه‌های ترانزیت از طریق کانال سوئز وابسته است. عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر که هم‌اکنون به دلیل وضعیت بحران انسانی در غزه و همچنین اقتصاد رو به زوال مصر تحت فشار است، در صورت کند شدن عبور کشتی‌ها از کانال سوئز، ممکن است با فشار مالی بزرگی مواجه شود. اختلال درآمدت ترافیک کشتی‌ها در دریای سرخ، بر قیمت انرژی به‌ویژه برای مصرف‌کنندگان در اروپا تأثیر خواهد گذاشت. حدود یک‌پنجم ترافیک کانال سوئز، نفت است، چه نفتی که به وسیله کشتی‌ها و چه آن بخشی که از طریق خط لوله سومد مصر ارسال می‌شود. حجم نفت خام و فرآورده‌های پالایشگاهی عبوری از این کانال، نزدیک به ۹ میلیون بشکه در روز است که معادل تقریباً ۱۲ درصد از کل تجارت دریایی است. توقف کامل حمل‌ونقل نفت از طریق این کانال، یک اختلال قابل توجه در تجارت انرژی خواهد بود و احتمالاً قیمت نفت خام را در سال ۲۰۲۴ افزایش می‌دهد. حوثی‌ها می‌خواهند مانند حامی‌شان ایران، توانایی‌های خود را به رخ بکشند و اعتبار منطقه‌ای خود را افزایش دهند. آنها می‌خواهند اسرائیل را تحت فشار بین‌المللی قرار دهند تا حملاتش به غزه را متوقف کند و احتمالاً تا زمانی که این هدف محقق نشود، حمله به کشتی‌ها را ادامه خواهند داد. ممکن است رفع خطر حوثی‌ها از طریق نیروی نظامی دشوار باشد. آنها برخلاف حزب الله لبنان که در حال مواجهه مستقیم نظامی با اسرائیل است، در معرض تهدید فوری اندکی قرار دارند و اکنون در جنگ یک‌دهه‌ای خود با عربستان سعودی به آستانه پیروزی رسیده‌اند. این همان چیزی است که این وضعیت را، هم برای ایالات متحده و هم برای جامعه بین‌المللی تبدیل به یک موقعیت چالش‌برانگیز می‌کند. حوثی‌ها در قلعه‌های کوهستانی پناه گرفته‌اند و تأمین مالی می‌شوند و به شدت با تسلیحات ایران، از جمله پهپادهای دقیق و موشک‌های کروژکشتی و موشک‌های بالستیک، تجهیز شده‌اند. آنها با در اختیار داشتن مقادیر زیادی تسلیحات، می‌توانند این حملات را برای مدت طولانی ادامه دهند. همه اینها در تفکر ایالات متحده که در حال حاضر برای جلوگیری از زور جدید حملات حوثی‌ها، بر افزایش حضور نیروی دریایی بین‌المللی در اطراف یمن متمرکز است، تأثیر می‌گذارد. یک کارزار حملات هوایی مستمر، توانایی حوثی‌ها را کاهش می‌دهد، اما با هدف کلیدی ایالات متحده یعنی جلوگیری از تشدید بحران منطقه‌ای تا حدی که ایران مستقیماً وارد درگیری نشود، در تضاد است.

### دیپلمات‌های ایران



## کارنامه میرزا حسین خان سپهسالار

### بانی قرارداد رویترو و حکمیت گلداسمیت و قرارداد آخال

# مردی میانه خدمت و خیانت



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

میرزا حسین خان سپهسالاری یکی از رجال معروف قاجاری است که میانه خوشنامی و بدنامی ایستاده است. او از مناصب پایین دولتی خدمت خود را آغاز کرد و بعد از مناصب دیپلماتیک در کشورهای مختلف به وزارت جنگ و وزارت خارجه و صدراعظمی رسید. گروهی برآورد که او پس از عباس میرزا و امیرکبیر سومین اصلاح‌خواه حکومتی در ایران بود و تنها چون مانند آن دو مرگ تراژیک نداشته، به شهرت آنچنانی نرسیده است و برخی دیگر او را نماد وابستگی به غرب و بانی نخستین قرارداد استعماری در ایران می‌دانند که به‌خاطر آن نیز بدنام شد. در دوران صدارت او دو قرارداد جدا با انگلیس و روسیه منعقد شد که حقوق مسلم تاریخی حاکمیت ایران در شرق و شمال شرق را برای همیشه از بین برد؛ نخست، پذیرش حکمیت گلداسمیت در ترسیم مرز بلوچستان بود که بخش زیادی از قلمرو ایران در شرق را از ایران

جدا کرد و دومی، قرارداد آخال با روسیه تزاری بود که نفوذ و حضور ایران در ماوراءالنهر را برای همیشه از بین برد. کسی که هنوز نامش با مسجد و مدرسه سپهسالار در تهران به نیکی در زبان مردم جاری است و در عین حال بیش از عباس میرزا و امیرکبیر در اجرای ایده‌های اصلاحی خود موفق شد در عین حال متهم به رشوه‌گیری برای انعقاد قراردادی استعماری و خیانت‌آمیز است. در عادت رشوه‌گیری و مال‌اندوزی او از این راه تقریباً تردیدی نیست اما ایده‌های اصلاح‌جویانه‌اش نیز پنهان نیست. او توانست نخستین قدم‌ها را برای قانون‌گذاری با هدف تغییر حکومت خودکامه فردی به حکومت قانونمند و کاهش قدرت حکام و حفظ حقوق رعیت بردارد و با تأسیس «صندوق عریضی» که مردم شکایات خود را در آن صندوق می‌ریختند، تلاش کرد نظام بازرسی و شکایت را در کشور راه‌اندازی کند. او محاکم شرعی را محدود و محاکم عرفی را که در دست حکومت بود، گسترش داد.

سپهسالار با استخدام معلم از اتریش برای ایجاد قشون منظم و تأسیس مدرسه نظامی برای تربیت افسران و تأسیس کارخانه اسلحه‌سازی و مهمات جنگی با قوه ماشین بخار به ارتش ایران نظم و نظامی بخشید و پستخانه و انتشارت ممبریستی را در کشور راه‌اندازی کرد. همین ایجاد پستخانه چندی پیش

در زمان خاقان بزرگ فتحعلیشاه قاجار، جد ناصرالدین‌شاه از سوی میرزا ابوالحسن خان شیرازی پیشنهاد شد که شاه تصور کرد میرزا ابوالحسن خان قصد تمسخر او را دارد و کم‌مانده بود فرمان اعدام او را صادر کند. میرزا حسین خان سپهسالار با تقویت دارالفنون و ساده نمودن سبک نگارش در مکاتبات دولتی تلاش زیادی برای اصلاح نظام اداری کشور برداشت و با استخدام مشاوران و متخصصین اتریشی برای اصلاح امور مالی و بهره‌برداری از معادن تلاش کرد. او بانی و حامی انتشار روزنامه‌های وقایع عدلیه، نظامی، مریخ، وطن و یک سالنامه بود که در میان رجال دولتی کارنامه‌ای یگانه شمرده می‌شود.

### از توجه امیرکبیر نادوستی شاه

میرزا حسین خان عمده رشد و ترقی اولیه‌اش را مرهون توجهات خاص امیرکبیر بود و در دهه‌های بعد نیز علت توجه ویژه ناصرالدین‌شاه به پیشنهاد اصلاحی سپهسالار و همراهی با آن را پشتیبانی شاه از قتل امیرکبیر و شباهت اصلاحات مدنظر سپهسالار با اصلاحات امیرکبیر دانسته‌اند؛ در واقع شاه در سیمای سپهسالار، امیرکبیر را می‌دید که اصلاحات نیمه‌تمامش را بی می‌گیرد. سپهسالار با امیر شباهت دیگری نیز داشت؛ این دو از سابقه خاندانی و اشرافی برخوردار نبودند و به همت و هوش فردی در نظام اداری ترقی کرده و مورد توجه قرار گرفتند؛ امیر اگر پسر آشپز بود، سپهسالار نیز پسر دلاکی در قزوین که دلاک خاصه علی‌تقی میرزا رکن‌الدوله، پسر فتحعلیشاه بود؛ بدین سبب دشمنانش او را با عنوان دلاک‌زاده تحقیر می‌کردند. امیر با پدر میرزا حسین دوستی داشت و به‌همین خاطر پسران او را به تحصیل در دارالفنون فراخواند و میرزا حسین نیز از خود درایت نشان داد و زبان عربی و فرانسه را آموخت هر چند مخالفانش آن را هم تخطئه می‌کردند. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد: «فرانسها غلط مکالمه می‌کرد و غلط می‌نوشت اما از شدت پررویی و طلاق لسان، طوری کلمات را ادا می‌کرد که هرکس تصور می‌نمود که او فرانسه‌می‌داند.»

اما تفاوت مهم میان سپهسالار و امیر، نوع مواجهه این دو با قدرت‌های خارجی و منفعت‌جویی‌های شخصی بود. هر چه امیر در مقابل انگلیس و روس جسور بود و تلاش می‌کرد پای آنان را از دخالت در امور ایران دور کند، سپهسالار بر این باور بود که برای ایجاد تغییر در کشور به کشورهای اروپایی نیاز هست و باید از توان و دانش و حضور آنان استفاده کرد. از این جهت او را نخستین حکمران ایرانی که به تمام معنا به غرب‌گرایی باور داشت نیز دانسته‌اند. به همین خاطر هم بود که ناصرالدین‌شاه را دوبار به سفر اروپا تشویق کرد تا او را با پیشرفت‌های اروپایی آشنا کند و شاه خود به چشم سر از دستاوردها و اصلاحات اروپایی مطلع و آگاه شود. سپهسالار امیدوار بود که از این طریق همراهی و نزدیکی شاه را در اجرای اصلاحات مدنظرش کسب کند.

نخستین منصب مهم میرزا حسین خان که با حکم امیرکبیر به او سپرده شد، کنسولگری ایران در بمبئی است که تنها سه سال به طول می‌انجامد اما میرزا حسین خان با ثروتی هنگفت از این سفر بازگشت که عمده منابع آن را نتیجه رشوه‌خواری و پذیرش هدایا از سوی او دانسته‌اند و عجیب اینکه این ثروت اندوزی او در مأموریت سه‌ساله موجب نزول سپهسالار نشد و او پس از بمبئی به تفریس مأمور شد. میرزا حسین خان خود در توجیه نحوه کسب این ثروت عظیم مدعی شد در بمبئی یکی دو نفر از تجار ایرانی از دنیا رفتند و مبلغ زیادی از مال آنها به او رسید و همچنین مدعی شد آقاخان محلاتی، باجناب وی به نیت او در شرط‌بندی اسب‌دوانی شرکت کرد و برنده شد و پول هنگفتی به او داد.

هم بمبئی و هم تفریس در آن دوره شهرهای مهمی برای تجارت و دیپلماسی ایرانی بودند. بمبئی مهمترین بندر حکومت بریتانیایی هند و محل حضور و تجارت عده زیادی از ایرانیان مهاجر بود و در دهه‌های بعدی روزنامه حبل‌المتین از کلکته با هزینه انگلیسی‌ها منتشر و بانی تفکر تجددخواهی در دولت قاجاری شد. باور انگلیسی‌ها پس از قرارداد ترکمانچای بر این بود که ایران تحت نفوذ و حمایت روسیه تزاری قرار گرفته است و روسیه از نفوذی بیشتر در تهران برخوردار است. در واقع بنا بر ماده چهارم قرارداد ترکمانچای امپراطوری روسیه تزاری متعهد شده بود از سلطنت عباس میرزا و فرزندانش حمایت کند. سپهسالار در بمبئی با بریتانیایی‌ها روبه‌رو بود و در تفریس با نایب‌السلطنه امپراطوری روسیه تزاری در قفقاز آشنا شد. او در تفریس با میرزا فتحعلی آخوندزاده، روشنفکر ایرانی که کارمند نایب‌السلطنه روسی قفقاز بود، مرتبط و تحت تأثیر افکار او قرار گرفت.

دکتر محمدجواد شیخ‌الاسلامی می‌نویسد، سپهسالار در این مأموریت نیز همچنان در فکر فعالیت‌های اقتصادی بود: «در زمان صدارت میرزا آقاخان نوری موقعی که [میرزا حسین خان] سرکنسول ایران در تفریس بود، گندم به قیمت خیلی ارزان از آذربایجان وارد می‌کرد و به روس‌ها که مشغول جنگ در شبه‌جزیره کریمه بودند، به قیمت‌های هنگفت و سرسام‌آور می‌فروخت.» سپهسالار پس از تفریس به مدت دوازده سال به سمت وزیر مختار ایران در استانبول عازم امپراطوری عثمانی شد. در این زمان نیز حضور سپهسالار در استانبول با اصلاحات در حکومت عثمانی موسوم به تنظیمات هم‌زمان شد. در همین دوران مأموریت عثمانی (۱۲۸۲ ق.) بود که از سوی ناصرالدین‌شاه به او لقب مشیرالدوله داده شد. یکی از رویدادهای مهم دوران حضور میرزا حسین خان در استانبول تشرف ناصرالدین‌شاه به عتبات بود که بازتاب زیادی یافت. ناصرالدین‌شاه در این سفر چنان مورد استقبال ایرانیان و شیعیان نجف و کربلا قرار گرفت که گویی به یکی از شهرهای ایران پا گذاشته است. این اتفاق در عین حال که موجب سوءظن سلطان عبدالحمید به ناصرالدین‌شاه شد، برای میرزا حسین خان